

چرا خودمان
هیئت راه
نیندازیم؟



حمید فرهمندی یکی از آن ده نوجوانی است که در اوایل دهه ۸۰ تصمیم به راه اندازی یک هیئت گرفتند. او که امروز در کسوت یک آتش نشان به مردم خدمت می کند، از روزهایی می گوید که مسجد محله، پایگاه اصلی دوره می هایشان بود. جمعی ده نفره، نوجوان هایی بین چهارده تا شانزده سال بودند که بیشتر وقتشان با هم می گذشت؛ از تفریح و بیرون شهر رفتن گرفته تا شرکت در مراسم مذهبی، به ویژه در ماه های محرم و صفر.

فرهمند تعریف می کند: اصل شکل گیری جمع دوستانه و دوره می های مذهبی ما چند نفر به اوایل دهه ۷۰ برمی گردد. آن سال هادر محدودده محله ما، مراسم عزاداری دهه های محرم و صفر یاد هه فاطمیه، مثل امروز پررنگ نبود. بیشتر روضه ها خانگی و مجالس زنانه بود. همین موضوع بهانه ای بود تا ما که سیزده چهارده ساله بودیم، برای شرکت در دسته های عزاداری و سینه زنی به دیگر محلات شهر برویم. چند سال حضور در دسته های عزاداری هیئت های دیگر محلات که با محله شریف فاصله بسیار داشت، یک پرسش مشترک را در ذهن آن ها پررنگ کرده بود که «چرا خودمان هیئت و دسته عزاداری راه نیندازیم؟» این پرسش، در ماه محرم سال ۱۳۸۴ به یک تصمیم جدی تبدیل شد: تصمیمی که نقطه آغاز راه اندازی «مجمع حیدریون و محفل رهروان شهید» بود.

نامی برای یک
مسیر

«حمید صمصامی، علی حاجیان، وحید فرهمند، رضا شفیعی، بهروز... و ردی، رسول لعل، ایمان نوروزی، احمد غلامی، سعید اطمینان، بچه محل هایی هستند که نمی شود از مجمع حیدریون نام برد و از آن ها یاد نکرد؛ کسانی که از ابتدای راه، با حضورشان و قدم هایی که برای این هیئت برداشتند، به رونق آن کمک کردند.» این ها فرهمندی می گوید تا از رفقا و پایه گذاران اولیه هیئت محله اش یاد کند و نامی که با تفکری جمعی برای هیئت محله انتخاب شد: «پیش از هر اقدامی، به دنبال انتخاب نامی برای هیئت نوپایمان بودیم که هویت و مسیر ما را مشخص کند و آن را در اداره ارشاد اسلامی به ثبت برسانیم. گزینه های مختلفی مطرح شد، اما ما می خواستیم اسم هیئتمان خاص باشد و تکراری نباشد. سرانجام روی اسم «مجمع حیدریون و محفل رهروان شهید» به اتفاق نظر رسیدیم؛ نامی برگرفته از لقب حضرت علی (ع) که نماد شجاعت و شهامت بود. علت انتخاب این نام هم برای این بود که احساس می کردیم زیر پرچمی مزین به نام مولا علی (ع)، انگیزه، جرئت و جسارت بیشتری برای ادامه مسیر پیدا می کنیم.»

جوان دهه شصتی محله شریف از روزی می گوید که برای ثبت هیئت محله با چند نفر از دوستانش به اداره ارشاد اسلامی رفته بودند و وقتی مسئول ثبت هیئت، اسم انتخابی شان را پرسیده بود، با شنیدن نام «مجمع حیدریون» تعجب کرده و گفته بود این اولین بار است چند نوجوان از «حیدر»، لقب حضرت علی (ع)، برای نام گذاری هیئت خود استفاده کرده اند.

اولین پرچم و
شروع روضه های
خانگی

بعد از ثبت نخستین هیئت محله شریف در اداره ارشاد، نوبت به تهیه پرده ای به نام هیئت بود. فرهمندی روزی راه یادی آورد که با یکی دو تا از اعضا برای خرید پارچه به بازار قماش رفته و پارچه ای شش متری برای نوشتن پرده تهیه کرده بودند. او تعریف می کند: عمومیم که خطاطی روی پرده را بلد بود، نوشتن نام هیئت را به عهده گرفت و همان پارچه ساده، اولین پرچم و نشانه هیئت ما شد. مراسم نیز در آن روزها به شکل گردشی در خانه همسایه های همراه برگزار می شد؛ همان خانه هایی که صاحب خانه هایش از مشتاقان سینه زنی و نوحه خوانی برای امام حسین (ع) و ذکر مصیبت کربلا بودند. ما به جز مراسم دهه اول محرم که بسیار پررنگ برگزار می کردیم، در طول سال، در دهه فاطمیه و دهه آخر صفر هم برنامه داشتیم و مراسم را به دو ماه محرم و صفر محدود نکرده بودیم. جلسه ثابت ما هم یکشنبه ها برگزار می شد. همین زمان بندی متفاوت، زمینه ای شده بود که سینه زن ها و جوانان حسینی از سایر هیئت ها به هیئت ما بیایند. کم کم صدای عزاداری و برپایی مراسم مذهبی هیئت نوپای محله شریف در کوچه پس کوچه های محله پیچید؛ هیئتی که با جمعی کوچک آغاز شده بود، آرام آرام ریشه دار شد.

پیچ و خم های
علم کردن خیمه

سال های بعد، ایده برپایی مراسم «ظهر عاشورا و خیمه سوزان» از سوی اعضای هیئت پیشنهاد شد. در آن زمان، چنین مراسمی نه تنها در محله شریف که در دیگر محلات مناطق اطراف هم برگزار نمی شد و مردم برای دیدن آن مراسم باید به مناطق مختلف شهر مثل میدان احمدآباد و چهارراه بهار سجاد می رفتند. از این رو اعضای مجمع حیدریون تصمیم گرفتند مراسم خیمه سوزان را در قلب محله خودشان اجرا کنند. برای برپایی خیمه، آن ها راهی بازار قماش شدند و پارچه متقال خریدند. آن روزها، هر کدام از اعضای پای کار هیئت که مادرش در خانه چرخ خیاطی داشت، آن را به مسجد آورد. حتی یکی دو نفر از همسایه ها چرخ خیاطی هایشان را در اختیار نوجوان ها گذاشتند. حمید فرهمند که تا چند سال کار برش و دوخت چادر را به عهده داشت، بالبخند از آن روزها یاد می کند و می گوید: برای اینکه اضلاع چادر دقیق در بیاید، کتاب ریاضی را آورده بودم و با محاسبات دقیق اندازه ها را در می آوردم و با کمک بچه ها پارچه ها را برش می زدیم.



عزاداری باشکوه مجمع حیدریون، حاصل هم

خیمه سوزان
عاشورایی



فاطمه سیرجانی ظهر عاشورا که می رسد، تقاطع خیابان دندانه زشکان ۹ دیگر شبیه روزهای معمولی نیست. صدای نوحه و سنج در کوچه های محله شریف می پیچد، خیمه ای در میانه میدان نگاه برافراشته می شود و هزاران نفر، گرد آن می ایستند تا روایت غربت اهل بیت (ع) و سرور و سالار شهیدان، امام حسین (ع)، را با چشمانی اشک بار به تماشا بنشینند. در سال های اخیر، این آیین، یکی از بزرگ ترین مراسم خیمه سوزان غرب مشهد بوده است اما کمتر کسی می داند

او درباره تعداد خیمه هایی که برای سوزانده شدن در ظهر عاشورا علم می شود، می گوید: روال کار ماد وخت و علم کردن یک خیمه بزرگ شش ضلعی است. یک سال با اشتباه محاسباتی یک ضلع کمتر برش خورد و کلی پارچه اضافه آوردیم. برای همین تصمیم گرفتیم خیمه ای کوچک تر در کنار آن خیمه به پا کنیم. آن سال، شور و هیجان خیمه سوزان با طفلانی که از آن خیمه کوچک فرار کرده بودند و به دست اشقیاسیر می شدند، روایتی تمام احساسی به داستان واقعه کربلا و روایت خیمه سوزان ما و آنچه ما و واقعه عاشورا نشان می دادیم، بخشیده بود.

فرهمندی از نخستین اجرای این مراسم در عاشورای سال ۹۰ خاطره ای دارد. او تعریف می کند: ما برای گرد هم آوردن مردم در محل اجرای مراسم خیمه سوزان، بعد نماز ظهر، دسته عزاداری از مقابل مسجد سبحان راه انداختیم. دسته عزاداری با طبل و سنج و نوحه خوانی کوچه به کوچه در محل دور می زد و مردم به دنبالش می رفتند. همراه جمعیتی حدود چهارصد یا پانصد نفره پشت سر دسته عزاداری به محل اجرای نمایش خیمه سوزان رفتیم تا برنامه در آنجا ادامه پیدا کند.